

موسیقی اسپانیا

۶ - قرن بیستم

در قرن بیستم بدعت‌های جدید و نو جوئی‌هایی پیاپی و با سرعت زیاد نضج گرفت و بعلاوه آثار و روش‌های جدید موسیقی سایر کشورهای اروپائی نیز به اسپانیا سرایت نمود. گروهی از موسیقیدانان قرن حاضر اسپانیا، در سده قبل بدنیا آمده‌اند و عده‌ای نیز در همین قرن بدنیا آمده و تعلیم یافته‌اند. قبل از همه باید از چهار موسیقیدان مشهور بین‌المللی نام برد که عبارتند از آلبنیز، گرانادوس، دوفایا و تورینا :

ایساک آلبنیز (۱۸۶۰-۱۹۰۹) - در «کانپرو دون» بدنیا آمد و در فرانسه در گذشت. وی که پیانیست بسیار زودرسی بود در شش سالگی با اتفاق خواهرش به پاریس سفر کرد باین امید که بتواند تحت نظر «مارمونتل» از معلمین بزرگ کنسرواتوار پاریس، به تحصیل بپردازد. در هشت سالگی وارد کنسرواتوار مادرید شد و نیز کنسرهای عرضه کرد. در ۱۲ سالگی

بآمریکا سفر کرد و در چند رسیستال شرکت جست . در ۱۸۷۵ هنگام مراجعت به مادرید « کنت مورفی » وی را در کنف حمایت خود گرفت و يك مقرری در حق وی تعیین کرد تا بتواند در بروکسل به تحصیلات خود ادامه دهد. از همین زمان نامبرده زندگی سرگردان خود را آغاز کرد معینا هیچوقت از فکر بوجود آوردن آثار موسیقی غافل نبود. در ۱۸۹۲ مقیم پاریس شد و در آنجا بر اثر فروتنی و سخاوت خود معروف گردید. نامبرده اپراهای زیادی تصنیف کرد که از همه معروفتر اپرای « پیتتا خیمند » میباشد. از سایر آثار وی میتوان راپسودی برای ارکستر بنام « کاتالونیا » و تعداد زیادی قطعات پیانو را نام برد که در میان این قطعات نیز چهار دفتر بنام « ایبریا » از همه معروفتر است . هر کدام از این دفترها حاوی سه قطعه بوده و به نحو بارزی تحت تأثیر موسیقی فرانسوی آن دوره قرار گرفته است.

انریک گرانادوس^۱ (۱۸۶۷ - ۱۹۱۶) - در « له ریدا » دنیا آمد و بهنگام بازگشت از امریکا در يك کشتی که توسط زیردریائی های آلمانی هدف قرار گرفت، در گذشت. وی ابتدا در بارسلون تحت نظر « پوخول » و « پدرل » به آموختن موسیقی پرداخت و سپس در ۱۸۸۷ برای تکمیل تکنیک خود به پاریس سفر کرد . هنگام مراجعت به بارسلون خود را وقف تدریس نمود و بعلاوه با تصنیف رقص های اسپانیولی نظر مردم را بخود جلب کرد. در ۱۸۹۸ در مادرید اولین اپرای وی بنام « ماریا دل کارمن » بروی صحنه آمد و پس از آن چهار اپرای دیگر نیز تصنیف کرد .

در ۱۹۰۸ تعدادی قطعات پیانو بنام « گویسکا » و قطعات آوازی بنام « تونادیلیا » ها تصنیف نمود. قطعات موسوم به « گویسکا » که تحت تأثیر تابلوهای « گویا » نقاش بزرگ اسپانیا بوجود آمده بودند از طرف خود آهنگساز تبدیل به يك اپرا شد که قرار بود در اپرای پاریس اجرا شود ، ولی درست شب قبل از نمایش، جنگ جهانی اول آغاز گردید و مانع اجرای این اثر شد! بالاخره در ۲۶ فوریه ۱۹۱۶ این اثر با موفقیت بسیار زیاد در حضور خود آهنگساز در اپرای متروپولیتن نیویورک اجرا گردید و در

مراجعت از همین سفر بسوی اروپا بود که «گرانادوس» و همسرش در اثر جنگهای زبردستیها غرق شدند. روح اسپانیائی «گرانادوس» باتمایلی که نسبت به موسیقی شوبرت و شوپن و گریگ داشت در «گوبسکا» ها و سایر آثار کم ارزش تر وی بخوبی آشکار است.

مانوئل دوفایا (۱۸۷۶-۱۹۶۶) - از اهالی آندالوس، در شهر «کادیس» بدنیا آمد و در کشور آرژانتین چشم از جهان فرو بست. وی در مادرید نزد «تراگو» و «پدرل» به تحصیل همت گماشت. در ۱۹۰۲ اولین اثر کوتاه آوازی خود را در مادرید با جراد آورد. در ۱۹۰۴ آکادمی سلطنتی هنرهای زیبا در طی یک کنکور عمومی تارنولای وی بنام «زندگی کوتاه»^۱ را شایسته اجرا از رتبه اول دانست. از ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۴ دوفایا مقیم پاریس گردید و در آنجا تکنیک خود را غنی تر ساخته و در تماس با «فوره» و «دبوسی» و «آلبینز» شخصیت خویش را تحکیم نمود. در همین سالها بود که وی «هفت آواز اسپانیولی» و چهار قطعه برای پیانورا تصنیف و منتشر کرد. دوفایا در ۱۹۱۴ به میهن خویش بازگشت در حالیکه طرح قطعه «شبی در باغهای اسپانیا» برای پیانو و ارکستر را با خود همراه داشت. در پاییز همانسال «زندگی کوتاه» را اجرا نمود و در بهار سال بعد باله «عشق جادوگر»^۲ را با جراد آورد. این اثر مملو از روح عامیانه میباشد و بعدها نیز بصورت یک سویت سنفونیک تنظیم گردید. در ۱۹۱۷ باله معروف وی بنام «کلاه سه گوش»^۳ اجرا گردید. قسمت فینال این باله بنام «خوتا» همیشه اثر شدیدی در تماشاچیان بوجود میآورد. در بین سایر آثار بعدی وی میتوان از «فانتازیا بتیکا» برای پیانو - قطعه «بیاد دبوسی» برای گیتار و کنسرتو برای کلاوسن و پنچ آلت موسیقی (۱۹۲۶)، نام برد.

قطعه «آتلانتید» که از ۱۹۳۰ به بعد همه مردم با اشتیاق منتظر پایان آن بودند یک اثر عظیم است که از اشعار «وردراگر» به موسیقی دان الهام شده است. اما کندی کار و ناراحتی های دوفایا که هر روز شدیدتر میشد مانع از این گردید که این اثر عظیم پایان برسد. دوفایا از دسته

La Vida Breve - ۲ M. de Falla - ۱
Le tricorn - ۴ El Amor Brujo - ۳

پیروان «پدرل» نبود، بلکه بیشتر با موسیقیدانان تئاتری معاصر خویش بستگی داشت شخصیت هنری وی از سرچشمه فیاض فولکلور اسپانیاسیراب شده و توسط تکنیک موسیقی فرانسوی تصفیه وخالص گردیده بود.

خوآکین تورینا^۱ (۱۸۸۲-۱۹۴۹) - یکی دیگر از اهالی آندالوس در شهر «سویل» چشم به جهان گشود و در مادرید دیده از جهان فرو بست. وی در شهر مادری خویش شروع به تحصیل نمود و از همانجا نقشه تسخیر پایتخت را طرح کرد و در همین موقع بود که دوستی نزدیکی با مانوئل دو فایا حاصل کرد. از ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۵ در پاریس اقامت گزید و در عین حالی که مشغول تحصیل بود يك «کومپوزیت» تصنیف کرد که مورد توجه شدید «آلبنیز» قرار گرفت. نامبرده به تورینا توصیه کرد که يك موسیقیدان کاملاً اسپانیائی شود و همین توصیه بود که به نتایج درخشانی منجر شد، فی الجمله پوئم سنفونیک «رژه ملکه شبنمها»^۲ بوجود آمد که در ۱۹۱۳ در مادرید اجرا شد، بعد از شروع جنگ جهانی اول و بازگشت به اسپانیا، «تورینا» برای خود را بنام «مارگوت» بمعرض نمایش گذارد و بآله روس و سایر ارکسترها را رهبری نمود و نیز بعنوان پیانیست رسیتالهای ترتیب داد. وی در کنسرواتوار کمپوزسیون تدریس میکرد و در عین حال بطرز خوبی خستگی ناپذیر، آثاری بوجود آورد که مخلوطی از حالت تغزلی شخصی و فولکلور اسپانیائی بود. تورینا در بسیاری از آثار خود از فرمهای مشخص موسیقی اسپانیا بهره برداری کرد و بهمان قسم روح ملی را در آثار بزرگ خود نظیر «سنفونی سویل» احیا نمود. اثر کاملاً مشخص وی در این زمینه «خطابه يك گاو باز»^۳ می-باشد که برای چهار لوت تصنیف شده و نیز برای آلات زهی تنظیم گشته است.



اگر ما نهضت موسیقی اسپانیارا بشیوه منطقه ای بررسی کنیم، مقام اول را از حیث اهمیت باید به ایالت «کاتالونیا» بدهیم. هنرمندانی که بانی

۱ - Joaquin Turina - ۲ La Procecion del Rocio - ۳ Oracion del Torero

دانش موسیقی در این ناحیه میباشند عبارتند از:

آنتونیو نیکلاو (۱۸۵۸-۱۹۳۳) - تحصیلات خود را در پاریس - که هشت سال مقیم آن بود - بیابان رسانید و بزودی فعالیت‌های تدریسی و آثار موسیقی وی بمنصه ظهور رسید و استاد بیهمتای موسیقی کرال شد. معروفترین و مهم‌ترین اثر آوازی او قطعه «مرگ اسکولا» است که بر روی اشعار «ورداگر» تنظیم شده است.

انریکه موره‌را (۱۸۶۵-۱۹۴۲) شاگرد «آلبنیز» و «پدرل» بود و تحصیلات خود را در بروکسل بیابان رسانید. وی تعدادی اپرا تصنیف کرد و بمعرض اجرا در آورد. بعلاوه وی قطعات آوازی و همچنین تعدادی «ساردان» برای «کوبلا» (تشکیلات ارکستری خاص این منطقه) بوجود آورد. «ساردان» از رقص‌های خاص ناحیه کاتالونیا میباشد.

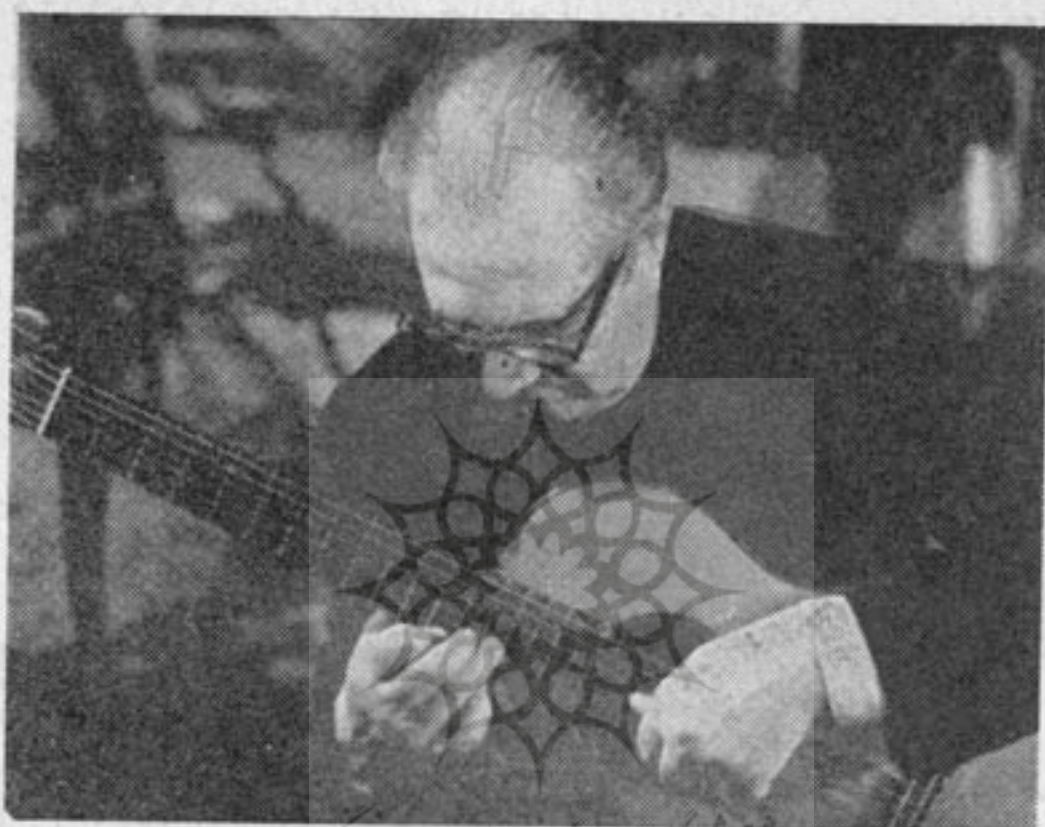
لوئیس میلیه (۱۸۶۷-۱۹۴۱) - خالق و رهبر یک دسته کرال بنام «اورفتو کاتالا» میباشد که در تمام پایتخت‌های اروپا با استقبال شدید مواجه گشته است. در میان آثار وی آوازهای مذهبی و آوازهای عامیانه به تعداد زیاد بچشم میخورد بعلاوه وی با کمک تشکیلاتی که خود خالق آن بود موسیقی کرال را توسعه داد و تشکیلات وی بزودی در تمام کاتالونیا تقلید گردید.

خوان دو گرینیون (۱۸۷۲-۱۹۴۹) - رهبر پر قدرت ارکستر سازهای بادی شهرداری بارسلن بود. وی علاوه بر تصنیف موسیقی، اوقات خود را وقف تدریس نیز مینمود. در میان آثار وی میتوان از یک «اوراتوربو» که تحت تأثیر آثار «واگنر» تصنیف شده و همچنین مجموعه‌ای آواز بنام «ویولتاس» نام برد. بعلاوه در آثار فراوان دیگر وی نفوذ «کابریل فوره» و همچنین تأثیر روح ملی موسیقی آن منطقه بچشم میخورد.

«ساردان» که رقص مشخص ناحیه کاتالونیا میباشد توسط «خوزه سرا» و «خولیو گاره‌تا» باوج خود رسید. بخصوص «گاره‌تا» از این تظاهرات کورئوگرافیک مشخص بنحو مطلوبی استفاده کرد. نامبرده بعلاوه صاحب تعداد زیادی آثار سنفونی و سونات میباشد.

در دهه آخر قرن نوزدهم چند موسیقیدان دیده به جهان گشودند که

چند نفر از آنها به تقلید از گروه شش نفری فرانسوی در سال ۱۹۳۰ دور هم جمع شده و گروهی بنام دسته هشت نفری بارسلون تشکیل دادند. رهبر این دسته « بالتاسار سامپر » موسیقیدان فولکلوریست بود و بقیه اعضای آن عبارت بودند از : « ادواردو تولدرا » رهبر ارکستر و ویولونیست ، « روبرتو گرهارد » متخصص مکتب شوپنرگ - « مانوئل بلانکافورت »



پروفسور آندره سگویا (شاعر گیتار)
 رتال علم علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ادامه دهنده سنت امپرسیونیسم فرانسوی - « آگوستین گرانو » - «خوان کامینز » شاگرد « واندالاندوسکا » - « ریکاردو گرینیون » و « فدریکو مومپو » که وابسته به موسیقی فرانسه بودند و مصنف قطعات کوچکی زیادی برای پیانو میباشند .

برجسته ترین موسیقیدان ناحیه والانس « ادواردو چاواری » متولد ۱۸۷۵ میباشد .

در سال ۱۹۳۴ در والانس یک گروه پنج نفری مشتمل « گراسس » ، « اولموس » ، « سانچز » ، « آنسنسیو » و « والدس » ایجاد گردید .

مادرید بعزت مرکزیت همیشه مملو از موسیقیدانانی بوده است که از نواحی مختلف کشور گرد میآمدند تا بخت خود را بیازمایند. در سال ۱۹۳۰ به تقلید از گروه شش نفری فرانسوی یک گروه هشت نفری در مادرید تشکیل گردید. این موسیقیدانان از حیث ارزش بایکدیگر مساوی نبوده و لذا بزودی این گروه از هم پاشیده شد. موسیقیدانان این گروه که همگی بین سالهای ۱۸۹۸-۱۹۰۸ بدنیآ آمده اند عبارتند از: خوان مانتا کون - فرناندو رماچ - رودولفو هالفتر - ارنستوهاالفتر - گوستاو پیتالوگا - سالوادور باکاریس - خولیان باتیستا و روساگاریا آسکوت. جنگ داخلی سبب پاشیده شدن این گروه شد و اکثر اعضای آن پس از آن در خارج از خاک اسپانیا اقامت گزیده اند.

موسیقی مجلسی در قرن اخیر به فراوانی در مادرید و بارسلون و سایر شهرهای اسپانیا اجرا میشود. در میان نوازندگان بزرگ اسپانیایی که شهرت بین‌المللی دارند میتوان از چند نفر نام برد.

در میان پیانیست‌ها: «ریکاردو وینیس» که در فرانسه شهرت زیاد دارد و «خوزه ایتوربی» که مقیم امریکا است.

در میان ویولون سلست‌ها: هنرمندی نظیر «پابلو کازالس» و شاگرد وی «گاسپار کاسادو». در میان گیتارنوازان بزرگ بخصوص باید از شاعر گیتار «آندره سگویا» و «نارسیسو به‌پس» نام برد. تحول گیتار در قرن اخیر علاوه بر مهارت گیتار نوازان این دوره معلول رپرتوار وسیعی است که توسط دو فایا، ویلالوبوس، روسل و غیره برای این ساز بوجود آمده است.



خوزه ایتوربی (پیانیست)

درمیان هارپ نوازان باید از « نیکانور زابالا تا » نام برد که استاد بیهمتای هارپ در قرن اخیر میباشد .

همین گونه اسپانیا در قرن اخیر خوانندگان بزرگی تربیت کرده است که برای جلوگیری از اطناب مطلب تنها بدکر نام دو خواننده سوپرانوی بزرگ «ویکتور یادولوس آنخلس» و « ترزا برگاندا » اکتفا میکنیم .
« نارسیسو به پس » دو سال قبل بایران سفر کرد و در تاریخ شنبه ۵ آذر ۱۳۳۹ در تالار فرهنگ رسیدالی ترتیب و با تکنیک عجیب و نوظهور خود در نوازندگی کیتارهمه را به اعجاب واداشت .

✽

موضوع جالبی که باید در مورد موسیقی اسپانیا در قرن اخیر مورد توجه قرار گیرد آنست که تقریباً از ۱۹۳۶ به بعد رابطه اسپانیا با سایر ممالک اروپائی از نظر هنری و فرهنگی قطع شده و در واقع يك مرحله فترت پیش آمده بود تا اینکه در سال ۱۹۵۸ عده ای از موسیقیدانان جوان اسپانیائی تحت حمایت نهضت «ژونس موزیکال » اسپانیا يك گروه جدید موسیقی تشکیل دادند که اولین کنسر آن در نهم مارس ۱۹۵۸ در تالار کنسرواتوار سلطنتی مادرید اجرا شد .



زبابالا (هارپ نواز)

« رامون بارسه » آهنگساز



ترزا برماندا (سوپرانو)

جوان که مسئولیت عمده تأسیس این گروه بگردن او بود درباره این جنبش جدید چنین نوشت : « ما يك استتیک مشترك نداریم بلکه دارای يك اتحاد عمل هستیم و نظر ما تكامل موسیقی اسپانیا و گرایش آن بسوی برابری با موسیقی جدید اروپا میباشد. »

با وجودیکه این گروه اعلامیه ای منتشر نکردند اما دارای يك رشته هدفهای اساسی بودند که اهم آن بقرار زیر است :

۱ - اتحاد تمام نیروهای نوجو در اسپانیا در جهت تشکیل يك سازمان مؤثر که بتواند به نحو بارز به توسعه موسیقی کمک کند.

۲ - انتشار و اجرای نه فقط موسیقی معاصر اسپانیا بلکه آثار خارجی

بسیار مهم از راه کنسر و تحکیم اتحاد موسیقی و ادبیات و هنرهای پلاستیک.
۳ - توسعه امکانات نوازندگان اسپانیایی از راه تشویق و ایجاد یک
رپر تواری ملی که بتواند در خارج از اسپانیا اجرا شود و انتشار موسیقی اسپانیایی
در دنیا از طریق توسعه و تنوع کاتالوگهای ناشرین موسیقی در اسپانیا.
از هم پاشیده شدن این گروه جدید در سال بعد بآرامی و بدون تشریفات
انجام گرفت. شاید اعضای این گروه با وجود اشتیاق و آفری که داشتند، بعلمت فقدان
یک استتیک مشترک و نیروی محرکه کافی نتوانستند کاری از پیش ببرند.

بهر حال از بین رفتن این گروه مقارن با آغاز یک جنبش جدید در هنر
اسپانیای بعد از جنگ گردید. باین معنی که یک انجمن موسیقی^۱ در مؤسسه
قابل احترام «آتنو»^۲ ی مادرید تشکیل شد مؤسسه آتنو منبع اصلی کلیه
نهضت‌های مهم در هنر و ادبیات در پایتخت اسپانیا میباشد. انجمن موسیقی
این مؤسسه بزودی امکانات ثابت و مستمیری برای تحقق بخشیدن به مقاصدی
که گروه جدید موسیقی عرضه کرده بودند بدست آورد.

اعضای گروه جدید موسیقی عبارت بودند از: رامون بارسه، مانوئل
بوئندیا، فرناندو امبر، انریکه فرانکو، مانوئل کارا، آنتون گارسیا
آبریل، لوئیس دوپابلو، آلبرتو بلانکافورت و کریستو بال هالفتر.

انجمن موسیقی مادرید در ۱۹۵۹ افتتاح گردید و خوشبختانه رهبری
آن بعهده «روئید کوکا»^۳ گذارده شد، چون نظریات وی توافق با مقاصد
گروه جدید موسیقی داشت.

«کوکا» علاوه بر تحصیلات عالی موسیقی دانشکده ادبیات و فلسفه را
نیز گذرانیده است و نایب رئیس نهضت ژونس موزیکال اسپانیا و همچنین
ناقد موسیقی میباشد. بعلاوه وی آشنائی دست اولی بابدعت‌های موسیقی
اروپا دارد، زیرا در چندین کنگره بین‌المللی در آلمان و فرانسه و غیره
بعنوان نماینده اسپانیا شرکت جسته است. از آنجائیکه «کوکا» میدانده که
قسمت اعظم جریان موسیقی بعد از شوبرگ در اسپانیا ناشناخته میباشد لذا

1 - Aula de Musica - 2 - Ateneo

3 - Ruiz Coca

تصمیم دارد این کمبود را جبران کند. بایسن ترتیب از ۱۹۵۹ به بعد يك گروه چندصد نفری مستعین به پنجاه سخنرانی درباره نکات مختلف موسیقی «سريل» گوش کرده اند و عده زیادی از مردم برای شنیدن قطعات موسیقی مدرن از اثر ۱۱ شونبرگ گرفته تا «تپو» اثر «استوک هاوزن» در تالار «آنتنو» اجتماع کرده اند.

قسمت مهم این کنفرانسها در فصل ۶۱-۱۹۶۰ عبارت بوده است از:
۵ کنفرانس راجع به موسیقی الکترونیک و يك رشته کنفرانس تحت عنوان چند موسیقیدان اسپانیایی مکتب سبریل و آثارشان.

پنج سال قبل فکر برگزاری يك رشته سخنرانی درباره موسیقیدانان اسپانیایی و نواختن آثار سبریل آنها غیر قابل تصور بود. علت غائی این کنفرانسها و کنسرها همانا اشتیاق و آمادگی بسیاری از موسیقیدانان جوان این سرزمین به قرار دادن هنرشان در مسیر نهضت موسیقی معاصر اروپا میباشد. باین ترتیب با ایجاد این کنسرتور دوره انزوای بیست و پنج ساله هنری اسپانیا به پایان میرسد و برای نخستین بار بعد از ۱۹۳۶ موسیقیدانان در مادرید قادر میشوند که کارهای خلاقه خود را با مقایسه با آثار موسیقیدانان آن سوی مرزها ارزیابی کنند.

«پایان»

ترجمه و اقتباس دکتر فرخ شادان

مركز جامع علوم انسانی